نسل فردا

فردا از آن ماست

روزنامه سراسری صبح ایران

سه‌شنبه | ۱۱ مرداد ۱۴۰۱ | ۲ آگوست ۲۰۲۲ | ۴ محرم ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۶۸۵۸ | ۸ صفحه ۳۰۰۰۷۲۳۲

naslfarda | naslefardanews | WWW.NASLEFARDA.NET | ۵۰۰۰ تومان

ابزاری پنهان جهت القای تهدید و ترس در کنترل دولت‌ها؛

دیپلماسی اجبار، اسلحه‌ای در غلاف تئوری

سید محمود کمال آرا
گروه سیاست

در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی و پس از فروپاشی جماهیر شوروی؛ نبود مدیریت قوی و صحیح، ایجاد هرج‌ومرج و بی‌نظمی براثر بروز جنگ داخلی در دولت‌های ضعیف و ورشکسته، نقض گسترده حقوق بشر در درون مرزهای برخی دولت‌ها و تلاش برخی از کنشگران غیردولتی یا دولتی برای کسب تسلیحات کشتارجمعی ازجمله خطرها و تهدیدهای جدید بشمار می‌رفت. چالش مهم پیش رو پس از پایان جنگ سرد؛ تشویق یا ترغیب و یا اجبار برخی دولت‌ها برای تغییر رفتار خود است. شکل‌گیری یک محیط ژئوپلیتیکی درنتیجه تفوق نظامی غرب و تلاش برای کاهش خطر مداخله دشمنانشان همگی موجب شد سیاست‌گذاران غربی برای تحقق منافع خود به سیاست تهدید و اعمال زور روی بیاورند.

دیپلماسی اجبار پیش از آغاز جنگ خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱ در خصوص عراق استفاده شد. همچنین به دلیل تبعیت نکردن این کشور به همکاری با بازرسان سازمان ملل متحد درباره برنامه‌های کشتارجمعی بازهم این نوع دیپلماسی به کار گرفته شد. دولت‌های غربی در بحران بالکان و درگیری‌های مسلحانه در بوسنی و کوزوو نیز به استفاده از دیپلماسی اجبار متوسل شدند. ایالات‌متحده همچنین از دیپلماسی اجبار در کشور هائیتی نیز استفاده کرده است. با این مقدمه در این یادداشت می‌خواهیم به دیپلماسی اجبار و میزان موفقیت آن در مناسبات بین‌المللی و همچنین نمونه‌های این نوع دیپلماسی در بحران‌های اخیر بین‌المللی بپردازیم.

تعاریف دیپلماسی اجبار

هدف اصلی دیپلماسی اجبار، حل‌وفصل بحران‌ها و ستیزه‌های مسلحانه بدون توسل به جنگ تمام‌عیار است. دیپلماسی اجبار مبتنی بر تهدید و استفاده محدود از زور و قدرت است تا از این طریق بتوان دشمن را از انجام اقدام‌های خود منصرف کرد و پیامدهای اقدام‌های انجام‌شده را کم‌رنگ و بی‌اثر ساخت.

برای تحقق دیپلماسی اجبار باید بتوان از تهدیدها برای القای ترس در ذهن دشمن استفاده کرد. چنانچه دشمن از این خواسته‌ها پیروی نکند، می‌توان گفت که دیپلماسی اجبار با شکست مواجه شده است. راهبردی که با دادن رشوه یا حق‌السکوت به توقف یک تخاصم یا کنار گذاشتن برنامه تسلیحات کشتارجمعی منجر شود، درواقع نوعی تسلیم و سازش است نه دیپلماسی اجبار.

> در حقیقت، دیپلماسی اجبار گزینه‌هایی را پیش روی دشمن یا رقیب قرار می‌دهد و دولت رقیب می‌تواند تصمیم به جنگ و یا تبعیت از خواسته سایر دولت‌ها قرار بگیرد، اما جنگ تمام‌عیار باهدف شکست دشمن صورت می‌گیرد

اجبار و ناچار ساختن دشمن واژه دیگری است که برای دیپلماسی اجبار استفاده می‌شود. تهدیدی را که برای اجبار یک دولت برای واگذاری بخشی از سرزمین خود انجام می‌شود، می‌توان یک اجبار و نه دیپلماسی اجبار در نظر گرفت، آن‌هم به این دلیل که دیپلماسی اجبار به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن دشمن و رقیب حرکت و اقدام نخست را انجام داده باشد. بازدارندگی نیز با دیپلماسی اجبار متفاوت است چراکه درواقع بازدارندگی پیش از انجام اقدامی از سوی رقیب و دشمن انجام می‌شود، درحالی که دیپلماسی اجبار زمانی استفاده می‌شود که دشمن گام نخست را برداشته باشد. درحالی که استفاده از تهدید و به‌کارگیری نیروی نظامی محدود به‌عنوان دیپلماسی اجبار شناخته می‌شود، استفاده از قدرت نظامی برای شکست دادن دولت متخاصم و حمله‌کننده، دیپلماسی اجبار محسوب نمی‌شود. از دیپلماسی اجبار باهدف اجتناب، جلوگیری و محدود ساختن به‌کارگیری نیروی نظامی استفاده می‌شود. این نوع از دیپلماسی راهبردی اثرگذار باهدف الزام رقیب و ایجاد تبعیت و پیروی از خواسته‌های سایر قدرت‌ها بدون شکست دادن دولت رقیب و دشمن است.

میزان موفقیت دیپلماسی اجبار در مناسبات بین‌المللی

از این دیپلماسی به‌اصطلاح جنگ بر ضد تروریسم و اجبار دولت‌ها، گروه‌های تروریستی و کنشگران غیردولتی به حمایت و همکاری نکردن با القاعده و گروه‌های وابسته به آن نیز استفاده شده است. البته شواهد موجود از موفقیت دیپلماسی اجبار حکایت نمی‌کند. این راهبرد در الزام عراق به پیروی از خواسته‌های ایالات‌متحده و سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ با شکست مواجه شد؛ در موضوع اجبار نیروهای طالبان به حمایت نکردن از القاعده نیز دیپلماسی اجبار موفقیتی کسب نکرد؛ در کوزوو و بوسنی نیز موفقیت این رویکرد به بهای بسیار زیادی به دست آمد و هزاران نفر پیش از اقدام سازمان ناتو جان خود را از دست دادند. کارآمدی و کارایی دیپلماسی اجبار در الزام گروه‌های تروریستی و کنشگران غیردولتی برای پایان بخشیدن به حمایت‌ها و همکاری با القاعده و گروه‌های وابسته به آن نیز چندان شفاف نیست.

می‌توان گفت تاکنون هدف‌های این راهبرد تنها در سه مورد تحقق پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۴؛ زمانی که ژنرال‌های حاکم هائیتی وادار به استعفا شدند؛ در سال ۲۰۰۱، زمانی که پاکستان مجبور به توقف حمایت از طالبان شد و در سال ۲۰۰۳ زمانی که لیبی وادار به پایان حمایت از تروریسم و خاتمه دادن به برنامه هسته‌ای خود شد.

هرچند این راهبرد تاکنون موفقیت‌آمیز نبوده و ظرفیت آن برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز ستیزه‌ها به‌ندرت استفاده‌شده، اما بااین‌حال به نظر می‌رسد دیپلماسی اجبار هنوز هم در سیاست‌های دولت‌های غربی برای مدیریت بحران از جایگاه مهمی برخوردار است.

دشواری شرایط در تحقق برتری نظامی غرب به موفقیت دیپلماسی اجبار در کوزوو و بوسنی برای دولت‌های غربی بسیار تعجب‌آور بود. البته این دشواری از جنبه و دیدگاه نظری کمتر جای تعجب دارد، آن‌هم به دلیل این که نظریه‌های کنونی دیپلماسی اجبار را به‌عنوان یک راهبرد با میزان خطر زیاد می‌شناسند.

دیپلماسی اجبار گزینه‌هایی را پیش روی دشمن یا رقیب

در حقیقت، دیپلماسی اجبار گزینه‌هایی را پیش روی دشمن یا رقیب قرار می‌دهد و دولت رقیب می‌تواند تصمیم به جنگ و یا تبعیت از خواسته سایر دولت‌ها قرار بگیرد، اما جنگ تمام‌عیار باهدف شکست دشمن صورت می‌گیرد.

هدف جنگ تمام‌عیار یا استفاده از نیروی نظامی، کنترل رقیب است؛ به‌طوری که دولت رقیب و دشمن حق هیچ‌گونه اظهارنظری در این خصوص نداشته باشد. جنگ سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ در افغانستان مثال خوبی برای نشان دادن این تفاوت است.

در آن زمان ایالات‌متحده از رژیم طالبان خواست اسامه بن‌لادن و سایر رهبران اصلی و مهم القاعده را تحویل دهد و اردوگاه‌های آموزشی خود را تعطیل کند، در غیر این صورت به نیروهای طالبان حمله خواهد کرد. تبعیت نکردن رژیم طالبان از این خواسته‌ها به حمله هوایی نیروهای آمریکایی به پایگاه‌ها و مراکز اصلی طالبان منجر شد.

در مرحله نخست جنگ، ایالات‌متحده به خطوط مقدم طالبان حمله نکرد و از ارائه کمک نظامی مستقیم به ائتلاف شمال و همین‌طور سایر گروه‌های افغان که با طالبان می‌جنگیدند، اجتناب کرد و در یک پیشنهاد غیرمنتظره به نیروهای طالبان وعده داد در صورت پیروی از خواسته‌های این کشور، این نیروها بازهم می‌توانند در رأس حکومت باقی بمانند.

زمانی که ایالات‌متحده به این نتیجه رسید نیروی طالبان با این خواسته موافقت نخواهد کرد، از نیروی نظامی بیشتری برای شکست طالبان استفاده کرد. در آن مقطع زمانی راهبرد آمریکا از نفوذ و اثرگذاری به سمت کنترل کامل نیروهای طالبان تغییر پیدا کرد. هرچند دولت‌های غربی در استفاده از برتری نظامی خود و تبدیل آن به موفقیت در حوزه ((دیپلماسی اجبار)) بدعمل کرده‌اند، اما این نوع دیپلماسی به بخش اصلی و مهم مدیریت بحران و ستیزه در دوره پس از پایان جنگ سرد تبدیل‌شده است زیرا برتری نظامی غرب اجرای آن را آسان کرده است.

• کالینز، الن، مطالعات امنیتی معاصر، ترجمه علیرضا ثمودی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۰

سرمقاله

آشوبی که جریان صدر به راه انداخت؛

عراق در آتش

مریم عمادی / گروه سیاست
Maryam.Emadi@yahoo.com

تحولات عراق طی روزهای گذشته سرعت بالایی به خود گرفته است. حامیان «مقتدی صدر» روز چهارشنبه با اعتراض نسبت به معرفی «محمد شیاع سودانی» به‌عنوان نامزد نخست وزیری، وارد پارلمان در منطقه سبز که مقر مؤسسات دولتی و سفارت‌خانه‌ها در بغداد است شدند و علیه ایران شعار دادند. با تصرف پارلمان و به درخواست شخص مقتدی صدر و با خروج معترضان از پارلمان انتظار می‌رفت که روند سیاسی مسیر معمول خود را در پشت درهای بسته طی کند، اما بار دیگر روز شنبه نیروهای حامی صدر دست به حمله و تصرف پارلمان عراق زدند و روبروی دستگاه قضایی عراق تحصن کردند؛ اقدامی که در نهایت موجب فلج شدن بخش مهمی از پایتخت عراق شد.

مخالفت صدر با انتخاب مهره‌های نزدیک به ایران

هرچند که یورش هواداران صدر در هفته‌ای که گذشت اتفاق افتاد، اما انتظار وقوع چنین حادثه‌ای از دو ماه قبل شروع شد، وقتی که صدر از نمایندگان طرفدار خود خواست از نمایندگی در پارلمان استعفا دهند و کرسی‌های پارلمان را ترک کنند. شاید این حرکت در آن زمان به عنوان عقب‌نشینی صدر و هوادارانش از منازعات برای خروج از بن‌بست سیاسی ارزیابی می‌شد. حتی در آن زمان برخی از مقامات عراقی در بیانیه‌های خود از «فداکاری بزرگ از سوی جریان صدر» می‌گفتند اما اتفاقات این چند روز نشان داد که صدر با خارج کردن نمایندگانش از پارلمان به دنبال فداکاری و برون رفت عراق از بن‌بست تعیین نخست‌وزیر نبوده بلکه می‌خواست معادله را به طور کلی تغییر دهد. با توجه به اینکه «محمد سودانی» نامزد ائتلاف «چارچوب هماهنگی شیعی» و مورد حمایت ایران است مخالفت صدر با السودانی را نباید مخالفت با شخص سودانی دانست؛ بلکه این مسئله را بیشتر باید با مسیر انتخاب السودانی در نظر گرفت. برخی‌ها معتقدند چارچوب هماهنگی اگر اسامی دیگری را نیز برای نامزدی نخست‌وزیری معرفی کند با مخالفت صدر روبه‌رو خواهد شد.

ادامه در صفحه ۲

جزییات احتمالی طرح بورل در گفت و گو با کارشناسان بررسی شد:

فروش نفت در برابر بازگشت نظارت‌ها

چندی پیش بازار اخبار برجامی داغ شد. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در یادداشتی در روزنامه فایننشال تایمز درباره مذاکرات احیای برجام اظهار نظر کرده است. او نوشته است: «بعد از ۱۵ ماه مذاکرات فشرده و سازنده در وین و تعاملات بی‌شمار با طرف‌های برجام و آمریکا من به این جمع‌بندی رسیده‌ام که فضای برای مصالحه‌های مهم اضافی به پایان رسیده است. من اکنون روی میز متنی گذاشته‌ام که در آن، رفع تحریم‌ها و گام‌های هسته‌ای برای احیای برجام به تفصیل شرح داده شده‌اند.» او در ادامه مدعی شده است: این متن، بهترین توافقی است که من به عنوان تسهیل کننده مذاکرات آن را ممکن می‌بینم. توافق بی‌نقصی نیست، اما در آن به همه عناصر ضروری پرداخته شده و در بردارنده مصالحه‌های سخت حاصل‌شده توسط همه طرف‌ها است.

۲

کاهش پروتکل‌ها تا عدم تزریق دوز یادآور ترسناک است؛

رفتار مردم در پیک تازه

۷

حرکت یک کشتی حامل غلات برای نخستین بار پس از جنگ روسیه و اوکراین انجام گرفت؛

دود سفید از بندر اودسا

منبع: تحریریه

۳

بندبازی اوپک پلاس در میان اختلاف روسیه و آمریکا؛

چهارشنبه؛ روز آزمون بزرگ بایدن

۳

نگاهی آماری و مستند به داشته‌های یک از مدعیان جدی امسال:

سپاهانی پرافتخارهای لیگ برتر

۴

چهره روز

درخواست آقای دیوید لینچ، از زلنسکیِ و پوتین؛

سر میز شام صلح کنید!

۵

پیشنهاد روز

در فیلم «آمبولانس» خواهید دید کهنه سربازی به نام ویل شارپ (با بازی یحیی عبدالمتین دوم) که برای تأمین هزینه‌های پزشکی همسرش به پول نیاز دارد، با برادر خوانده‌اش دنی (با بازی جیک جیلنهال) همکاری می‌کند تا ۳۲ میلیون دلار از یک بانک در لس آنجلس سرقت کنند. با این حال، هنگامی که نقشه فرار آن‌ها به طرز شگفت‌انگیزی با مشکل مواجه می‌شود.... «آمبولانس» جدیدترین ساخته مایکل بی را بخرید و ببینید و لذت ببرید.